

جغرافیا و توسعه شماره ۴۲ بهار ۱۳۹۵

وصول مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۲

تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۰۸/۱۷

صفحات: ۱-۲۶

آمایش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و راهبردهای توسعه‌ی آن مطالعه‌ی موردی: استان سیستان و بلوچستان

دکتر عیسی ابراهیم‌زاده^۱، دکتر میرنجف موسوی^۲، علی باقری کَشکولی^۳

چکیده

مرزهای ایران به عنوان گلوگاه‌های ارتباطی، با دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک فوق‌العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی واجد کارکردهای تولیدکننده‌ی قدرت در کشور می‌باشند. عدم توسعه‌یافتگی و وجود شکاف رفاهی میان شهرهای مرزی با شهرهای مرکزی که نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است، بر ضرورت آمایش سرزمینی این مناطق می‌افزاید. در این راستا، هدف از این پژوهش، بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شرایط ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و تأثیرات آنها بر آمایش و توسعه‌ی سرزمین است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و حجم نمونه ۸۵ نفر از کارشناسان و متخصصان بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی و سیستماتیک بوده و شاخص‌های بررسی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی استان، ۲۲ شاخص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. بر اساس نتایج حاصل از مدل تحلیل مسیر، متغیرهای ژئواکونومیک با میزان ۰/۷۶۴ دارای بیشترین تأثیرات در کاهش دوگانگی منطقه‌ای و کاهش شکاف مرکز-پیرامون بوده‌اند؛ اما متغیرهای ژئوپلیتیک قومی-مذهبی با میزان ۰/۵۳۸- دارای اثر منفی و کاهنده بر آمایش استان بوده است که بیشترین تأثیر آنها نیز از طریق تأثیرات مستقیم می‌باشد. در عین حال گسترش تنش‌های قومی که همواره به علت تحریکات قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تحت تأثیر عوامل نزدیکی با مرز و متأثر از آن سوی مرزها است، منجر به ایجاد ناامنی در منطقه شده و این عوامل تمام فرصت‌های موجود در منطقه در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی را از بین می‌برد که در این راستا راهبردهایی جهت آمایش و توسعه‌ی مطلوب سرزمینی در این منطقه در متن اصلی مقاله ارائه شده است. کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، آمایش مناطق مرزی، قومیت، استان سیستان و بلوچستان.

۱- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری - منطقه‌ای دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسؤل)

۲- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

مقدمه

ایران با توجه به توانمندی‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، جغرافیایی و در یک کلمه واقعیت‌های ژئوپلیتیکی آن یکی از کشورهای بسیار مهم منطقه به سبب می‌آید. زیرا با توجه به موقعیت ارتباطی آن در کانون راه‌های ارتباطی و مواصلاتی اوراسیا واقع شده و این گستره‌ی جغرافیایی برای پیوند جغرافیای میانی و به عبارتی هارتلند هندسی اوراسیا با پهنه آب‌های آزاد و دنیای خارج، از موقعیت ویژه‌ای بهره می‌برد (قلی‌زاده و ذکی، ۱۳۸۷: ۲۲). بطور مشخص ملاک قدرت در سده‌ی بیست و یکم، توانمندی‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی و کنترل نظام تولید، عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی است و به همین لحاظ مناطق ژئواستراتژیک منطبق با مناطقی است که منابع سرشار طبیعی (بویژه منابع انرژی) و نیز تولید ناخالص ملی چشمگیر دارند. از این منظر منطقه‌ی خاورمیانه، بویژه حوزه‌ی خلیج فارس و دریای خزر به علت در اختیار داشتن بیش از ۷۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز)، نقش "ژئواکونومیک" ویژه‌ای در قرن ۲۱ بازی خواهد کرد (مینایی، ۱۳۸۲: ۴۳). اینک این اهمیت و موقعیت باعث گردیده تا کشورهای قدرتمند به گونه‌ای در این منطقه مداخله نمایند و به دنبال تأمین منافع کشورگشایی و دستیابی به ثروت خدادادی این منطقه باشند. عوامل ژئوپلیتیکی خاص این منطقه همانند منابع عظیم نفتی و گازی و تأمین بخش عمده‌ی سوخت جهانی از این منابع و قرار گرفتن کشور ایران در منطقه حساس خاورمیانه و جایگاه مهم ایران در ترانزیت کالا از آسیا به اروپا و همین طور در اختیار داشتن منطقه‌ی استراتژیست تنگه‌ی هرمز و دریای عمان و بنادر عظیم صادراتی همواره باعث طمع قدرت‌های استعمارگر و حتی در میان کشورهای همسایه نیز باعث بروز اختلاف و

تنش‌هایی گردیده است (نادری، ۱۳۸۹: ۱۲۱). علاوه بر این مناطق، مرزهای ایران نیز به عنوان گلوگاه‌های ارتباطی و عامل تفسیر کننده وضعیت ژئواکونومیکی ایران، از لحاظ ژئوپلیتیکی اهمیت فراوانی پیدا می‌کنند. با توجه به اینکه موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپلیتیک مرزهای کشور را از اهمیت زیادی برخوردار می‌کند، لذا هنگام بررسی ژئوپلیتیک مناطق مرزی عوامل متغیر و به ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیتی این مناطق از اهمیت زیادی برخوردار است. از سوی دیگر، موقعیت و ساختار طبیعی فضای ایران، بر کنش متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی تأثیرات متفاوتی به جا گذاشته است؛ از یک سو با بسترسازی ارتباط میان اقوام و گروه‌ها، تعامل آنها را با یکدیگر و با سکنه‌ی فلات ایران آسان نموده است و از سوی دیگر جنبه‌های وحدت بخش کلان سرزمینی بر شکل‌گیری روابط و پیدایش خصلت‌های کلان ملی تأثیر گذاشته است و جنبه‌های تفکیک‌ساز فضا، شکل‌گیری تفاوت‌ها و خصلت‌های ناحیه‌ای درون آن را موجب شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۹). با این تفاسیر، مناطق مرزی جنوب شرق ایران با دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک فوق‌العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی واجد کارکردهای تولیدکننده‌ی قدرت در کشور است که تا کنون مورد غفلت واقع شده لذا با وجود دارا بودن پتانسیل‌های فوق‌الذکر که دیگر مناطق ایران فاقد چنین پتانسیل‌هایی هستند، یکی از عقب‌مانده‌ترین مناطق کشور به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیطی محسوب می‌گردد. از این رو می‌توان گفت توسعه‌ی آینده کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی و ساحلی دریای عمان وابسته به طراحی سیاست‌های کارآمد و استفاده‌ی بهینه از کارکردهای این منطقه از کشور می‌باشد. در واقع مناطق مرزی

دارد، باید تمام ویژگی‌های زیربنایی و زیرساختی اعم از توسعه‌ی بندر چابهار، گسترش منطقه‌ی آزاد صنعتی و تجاری چابهار، توسعه بازارچه‌های مشترک مرزی، احداث جاده ترانزیت ۹۰۰ کیلومتری چابهار به مرز سیستان با افغانستان در نقطه‌ی صفر مرزی میلک، ایجاد تأسیسات منطقه‌ی ویژه اقتصادی سیستان و ایجاد منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی سیستان، ساخت خط آهن چابهار به منطقه‌ی مرزی میلک و اتصال آن به راه‌آهن سرخس با گذر از شهرستان‌های نیکشهر، ایرانشهر، خاش، زاهدان، زابل، ساخت تأسیسات و امکانات رفاهی و اجرای صدها پروژه مورد نیاز برای توسعه‌ی ترانزیت کالا از بندر چابهار به نقاط دیگر کشور منجر به توسعه‌ی وزن ژئواکونومیکی جنوب شرق کشور خواهد شد که نهایتاً این توسعه منجر به رشد و توسعه‌ی شهرها و مناطق مرزی جنوب شرق کشور خواهد گردید (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

از سوی دیگر به لحاظ جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، "جنوب شرق کشور که جزیی از پیکره‌ی سرزمین ایران می‌باشد از گوناگونی و تنوع فرهنگی، اجتماعی و قومی مستثنی نبوده است. استان سیستان و بلوچستان از جمله استان‌هایی است که شکاف قومی و زبانی آنها، موازی با شکاف مذهبی بوده و با تقویت و بالفعل کردن همدیگر بر احتمال فعال شدن و تبعات امنیتی مسائل قومی می‌افزاید (حمیدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴).

اینک هدف این پژوهش تحلیل و پی‌جویی راهبردهای توسعه‌ی منطقه‌ای با بهره‌گیری از کارکردهای آمایش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران بوده و بدین منظور سؤال اساسی پژوهش آن است که با توجه به عدم تعادل‌های موجود در مرکز و پیرامون در سطح ملی و عدم توسعه‌یافتگی این استان، آیا مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شرایط ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی این منطقه وجود دارد تا با

جنوب‌شرق ایران واجد مزیت‌های ژئوپلیتیکی مهمی برای ایران است که ایران را به عنوان وزنه‌ای در سیستم بین‌المللی و سیستم جهانی در قرن ۲۱ مطرح می‌نماید. برخی از مزیت‌های این منطقه دارای اثرات درون‌کشوری است و برخی به موقعیت ایران در ساختار نظام جهانی مربوط می‌شود (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۷-۵). با این حال، عدم توسعه‌یافتگی مناطق مرزی جنوب شرق کشور، رفاه میان شهرهای مرزی با شهرهای مرکزی که نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است، بر ضرورت توسعه‌ی این مناطق می‌افزاید. بر این اساس، توسعه‌ی محور ترانزیتی جنوب شرق و اتصال شمال به جنوب ایران منجر به پیوستگی‌های اقتصادی خواهد شد که این عامل تأثیر زیادی بر روی اتحاد مناطق مرزی با شهرهای مرکزی خواهد داشت و منجر به آمایش سرزمینی در منطقه جنوب شرق کشور خواهد شد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۳). چرا که موقعیت ژئوپلیتیک جنوب شرقی ایران با همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و قرارگرفتن در مسیر دسترسی به آب‌های آزاد جهان برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان جایگاه ویژه‌ای را برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران فراهم نموده است. این منطقه از دید پتانسیل‌های اقتصادی دارای سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در کرانه‌های دریای عمان و اشراف این منطقه بر یکی از مهمترین و استراتژیک‌ترین راه‌های آبی جهان، همسایگی با افغانستان و پاکستان و نزدیکی به کشورهای آسیای میانه که دسترسی به دریا ندارند، ویژگی برجسته‌ای به این منطقه بخشیده است (کیانی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸). در این راستا، برای اجرایی کردن و رسیدن به اهداف طرح توسعه‌ی محور شرق که تحولات عظیم اقتصادی را برای استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان به همراه

دبلیج^۱ مرز را به عنوان یک منطقه‌ی جغرافیایی که ورای منطقه یکپارچه واحد سیاسی است و بسط در آن می‌تواند صورت بگیرد تعریف می‌کند؛ او از مرز به عنوان "برون‌گرا" یاد می‌کند، بدین معنی که توجه آنها به طرف سرزمین‌های غیر مشترک است (Deblj, 1973: 127). در عین حال مرزها همواره به نوعی آمیخته با دفاع نظامی از سرزمین‌های ملی در برابر حمله ارتش کشورهای متجاوز بوده است؛ همچنین از نقاط متمایز و برجسته در مرادوات بازرگانی همانند امور گمرکی و مالیاتی بوده‌اند (Walter, 2006: 188).

بطور کلی مرز سیاسی از جهاتی دارای سه کارکرد است:

الف- عملکرد قانونی؛ که در آن خط مرزی دقیقاً حدود سرزمین قلمرو و مسؤولیت استانداردهای قضایی و قانونی کشور را مشخص می‌کند.

ب- عملکرد کنترلی؛ که در آن هر عبوری از خط مرزی، در کنترل کشور قرار می‌گیرد.

ج- عملکرد مالی؛ که در آن عملکرد کنترلی با دریافت حقوق گمرکی همراه می‌شود (Guo, 2005: 15).

از این‌رو امروزه مرزها دیگر کارکرد صرف سیاسی و اقتصادی را ندارند و تبدیل به ابزارها و فضاهای تأثیرگذاری شده‌اند، که از مهم‌ترین و بارزترین آن، ویژگی‌ها جابجایی و انعطاف‌پذیری این مرزها است (Adey, 2004: 18)، گرچه برخی نامی‌های سیاسی و اجتماعی بی‌جهت به ویژگی‌های انعطاف‌پذیری مرزها ربط داده می‌شود (Bigo, 2002: 51) (جدول ۱).

مطالعه و تحلیل این مؤلفه‌ها، راهبردهایی جهت آمایش سرزمینی این مناطق در راستای رسیدن به توسعه‌ی پایدار و کم‌رنگ‌تر کردن دوگانگی‌های منطقه‌ای ارائه گردد؟

مبانی نظری پژوهش

اصولاً در جهان نقاط جغرافیایی خاصی وجود دارد که تسلط بر آنها بطور ویژه‌ای موجب افزایش ثروت و قدرت یک کشور می‌شوند بطوری‌که بسیاری از صاحب‌نظران از تفوق ژئواکونومی بر ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم سخن به میان آورده‌اند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۷) و معمولاً مناطق مرزی، از حساس‌ترین نقاط و دارای شرایط ویژه استراتژیک به حساب می‌آیند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۳) که از تفوق ژئواکونومی برخوردار می‌باشند. در منطقه‌ی مرزی جنوب شرق کشور مؤلفه‌های ژئواکونومیک شامل؛ بازارچه‌های مرزی، تبادلات مالی، امنیت اقتصادی و در عین حال مؤلفه‌های ژئوپلیتیک همچون قومیت، مسیرهای ارتباطی و غیره دارای اهمیت خاص می‌باشند. امروزه به دنبال انقلاب الکترونیکی دگرگونی عظیمی در مفهوم مرزها به وجود آمد، بطوری‌که مفهوم آن از یک خط به یک منطقه، از فیزیکی به فرهنگی و از فضایی به کارکردی و نفوذناپذیری به نفوذپذیری و نهایتاً عامل تأثیرگذار بر وزن ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بدل شده است (موسوی، ۱۳۸۸: ۱). اصولاً مرزها به عنوان خطوط حاشیه‌ای واحدهای سیاسی، می‌توانند در چشم‌انداز، قابل رؤیت یا غیر قابل رؤیت باشند؛ آنها دارای امتداد هستند اما عرض ندارند، بطوری‌که در بعضی جاها فقط با لوح‌های سنگی مشخص یا محصور شده‌اند (Guo, 2005: 5-6).

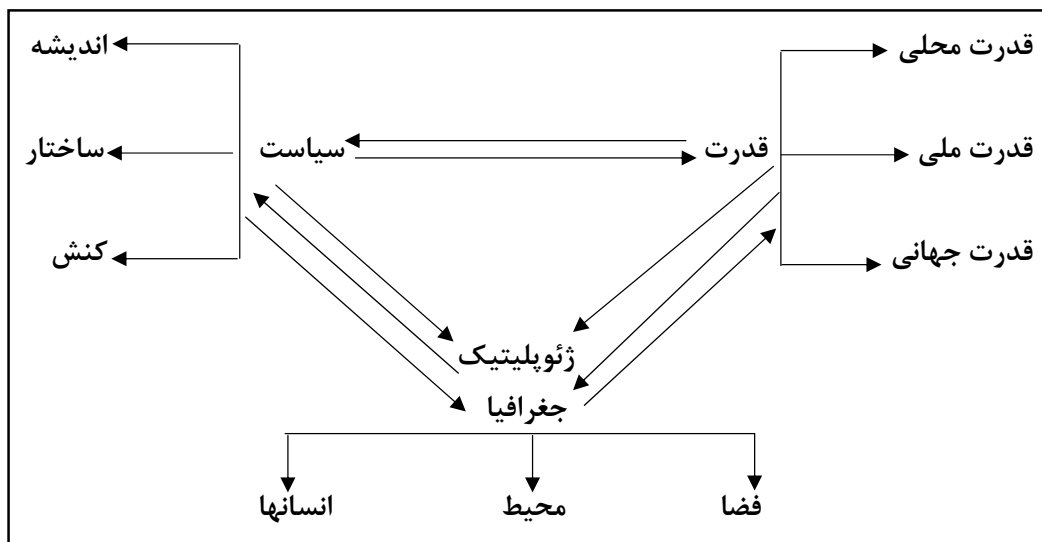
جدول ۱: گونه‌شناسی تأثیرات مرزها بر اقتصاد و سیاست‌های فضایی

انواع تأثیرات مرزی		بخش‌ها
مرز به عنوان عامل ارتباطی	مرز به عنوان عاملی بازدارنده اجرا کننده	
رقابت و همکاری در میان تجمع‌گرایی	توسعه‌ی هر دو منطقه‌ی مرزی	سازماندهی فضا
توسعه‌ی دوباره فضایی و فرا ساختارها و خدمات	تأثیر شدید مرکز تمرکز بر روی مرز	حمل و نقل بین‌المللی
استراتژی جدید در حوزه‌ی اشتغال میان مرزی	دسته‌بندی و بخش‌بندی حتی تحت حمایت	بازار کار
بر مبنای قوانین شبکه‌ی محیطی	بر مبنای قوانین دسته‌بندی عمودی	بومی‌سازی صنعت
تأثیرات کاتالیزوری ناشی از شبکه‌ی همکاری سیاسی	به حاشیه رانده شدن، غیر از مناطقی که اجازه واگذاری جایگاه را مهار می‌کنند	صنعت بهره‌ور از تکنولوژی برتر
مدرك در هر دو طرف مرز معتبر است و همکاری‌هایی در برنامه	جدایی و جداسازی ناشی از تفاوت‌های ساختاری مهم و سیستم‌های تحصیلی ملی	آموزش دانشگاهی
خلق محیط‌ها و ساختارهای میان مرزی	رویکرد سرکوب‌کننده‌ی مرکز- پیرامون	سیاست‌های تکنولوژیک

مأخذ: Sermak, 2007: Source

شرایط جدید مرکز را وادار به تجدید نظر در روابط خود با پیرامون کرده است (Pena, 2005:286- 290). در این راستا سیاست‌ها و برنامه‌های داخلی و خارجی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی قابل بررسی است که به تناسب هر یک از سطوح، فرآیندهای سیاست داخلی و خارجی نیز متفاوت خواهد بود. بطوری‌که یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در اتخاذ سیاست‌های ملی و بین‌المللی، نقش عوامل انسانی و طبیعی و بطور کلی جایگاه منطقه در سیستم و نظام داخلی است که به ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود. از این رو ژئوپلیتیک را می‌توان روش تحلیل میان عناصر جغرافیایی (فضا، محیط و انسان‌ها) و فرآیندهای سیاسی (قدرت، سیاست و جغرافیا)، تعریف نمود (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷) (نمودار ۱).

در واقع مرزها را می‌توان بخشی از یک روند دانست که در خلال آن هویت و ویژگی‌های آن مناطق مشخص می‌گردند (Passi, 1996) و نتایج حاصل از این روندها را می‌توان در رشد و توسعه یا رکود شهرهای مرزی مشاهده کرد. همچنین تأثیرات زیاد مرزها را می‌توان در سیاست، امور حکومتی، اقتصاد، فرهنگ، ساختار و روابط قوی فعالیت‌های آموزشی و سایر موارد اجتماعی و ملی مشاهده کرد (Sermak, 2007:75). از این رو امروزه با جهانی شدن صنعت، تجارت، امور مالی و تغییرات در نظام بین‌المللی، تفکرات ژئواستراتژیک بسوی باورهای ژئواکونومیکی مرزها معطوف شده است؛ به گونه‌ای که تحولات در کارکردهای مرز و نگرش به آن به عنوان یک فرصت اقتصادی از سوی نظام‌های سیاسی حاکم، موجب افزایش جمعیت در مناطق مرزی شده و شرایط جدیدی را رقم زده است، این



نمودار ۱: روابط بین عناصر جغرافیایی و سیاسی در ژئوپلیتیک

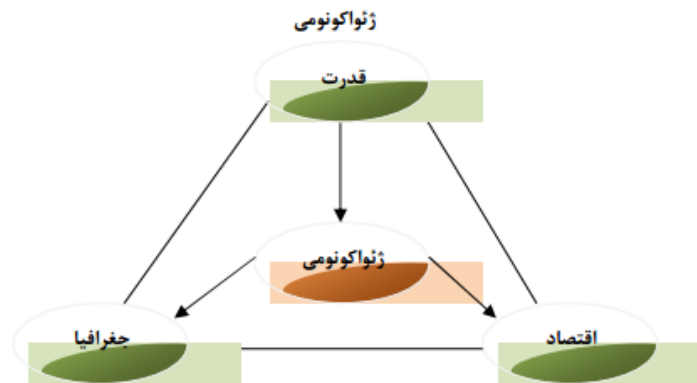
مأخذ: معصومی و همکاران، ۱۳۹۲

محلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی از جمله مسائلی است که امروزه در قلمرو مطالعات ژئوپلیتیک مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۷). در نظر گرفتن این مؤلفه‌ها در یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی، بازگوکننده‌ی شکل تحکیم‌یافته آن منطقه‌ی جغرافیایی می‌باشد. اگر در یک منطقه‌ی جغرافیایی، یک یا چندعامل محدود موجبات همگرایی را فراهم می‌سازد، در منطقه‌ی ژئوپلیتیکی این کارکردهای جغرافیایی و تأثیر آن بر سیاستگذاری‌های دولت‌هاست که نقش‌آفرینی می‌نماید. اینک اگر تمام عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه‌ی جغرافیایی نقش‌آفرین شوند، منطقه‌ی جغرافیایی تغییر ماهیت داده و به صورت یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی در صحنه ظاهر می‌شود. در واقع منطقه‌ی ژئوپلیتیکی بستر ساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است. بطوری‌که کنش و واکنش کارکردها در این الگوی فضایی، چگونگی پیدایش الگوی رقابت، همکاری یا نزاع را

در ارتباط با مؤلفه‌ی جغرافیا در فرآیندهای سیاسی، موقعیت خاص جغرافیایی مناطق کشور و نحوه‌ی استقرار مکانی اقوام در آن ایجاب می‌کند که پدیده‌ها و وقایع مربوط به مؤلفه‌های جغرافیای انسانی مانند نژاد و قومیت‌های مناطق و تأثیر آنها در امنیت منطقه و در سطح ملی پیش از هر چیز در چارچوب ژئوپلیتیکی بررسی شوند. در این ارتباط، موقعیت استقرار اقوام، چگونگی همجواری‌ها و بهره‌گیری آن از ویژگی‌های جغرافیایی، بالطبع در عملکرد و نحوه‌ی تأثیر در امنیت ملی و منطقه‌ای بسیار مؤثر است. زیرا اصولاً وجود اقوام مختلف در یک منطقه صرف‌نظر از مزایایی که دارد، کشور را از نظر ژئوپلیتیکی در مقابل تهدیدات خارجی و نحوه‌ی اداره‌ی امور داخلی آسیب‌پذیر می‌کند (بختیارپور و عزتی، ۱۳۸۹: ۲). بنابراین، همه‌ی موضوعات مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه‌یابی مسائل قومی، جریانات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی شهرهای مرزی، تحلیل فضایی قدرت سیاسی در سطح منطقه، تقسیمات کشوری و رقابت‌های مکانی، دولت

بهتری خواهند یافت (مامی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). این دیدگاه با تئوری ادوارد لوتواک که در سال ۱۹۹۰ میلادی پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد، شکل گرفت. بطور کلی ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد امروزه سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (نامی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۳) (نمودار ۲).

برمی‌انگیزاند. از این رو در منطقه‌ی ژئوپلیتیک چگونگی تعامل نیروهای طبیعی و انسانی هستند که تحولات را رقم می‌زنند (یوسفی و کریمی، ۱۳۸۹: ۲۸). یکی از کارکردهای انسانی که تأثیر زیادی در آمایش سرزمینی و تحولات منطقه‌ای دارد، قدرت اقتصادی است، زیرا در حال حاضر قدرت اقتصادی تا حد زیادی، تعیین کننده جایگاه و نقش کشورها در نظام جهانی است. از این رو مناطقی که از نظر اقتصادی غنی‌تر و قدرتمندتر باشند اهمیت بیشتری یافته و در نتیجه در نظام جدید جهانی، مناطق ژئواکونومیک موقعیت



نمودار ۲: ارتباط بین مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد ژئواکونومی در یک منطقه
مأخذ: معصومی و همکاران، ۱۳۹۲

تحلیل سیاست‌های جهانی اکثر قدرت‌های غربی تبدیل گردد.

از این منظر کریدور شمال/ جنوب، هم در سطح بین‌المللی و هم داخلی که از یکسو، راهرو بین‌المللی شمال/ جنوب شامل اروپا، اسکاندیناوی و روسیه از طریق ایران با کشورهای حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا و از دیگرسو، راهرو داخلی شمال ایران که سرخس را به چابهار متصل می‌کند، حکایت از اهمیت یافتن فوق‌العاده‌ی شرق ایران در فضای کنونی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جهانی دارد.

اینک باید گفت با ظهور عصر ژئواکونومی، کانون‌ها و مسیرهای تجاری بیش از گذشته مورد توجه کشورها قرار گرفته است. در واقع هرزمان رقابت میان قدرت‌ها در نظام جهانی، موضوع برداشتن مرزهای اقتصادی باشد، صحبت از ژئواکونومی است. در واقع این قدرت‌ها هستند که سیاست‌های اقتصادی را در فضای نظام جهانی اعمال و رهبری می‌کنند و این فرایند سبب گردیده تا ژئواکونومی به عنوان پدیده‌ای سیال و جهت پوشش دادن به فضای جدید رقابتی در نظام جهانی و روشی برای توجیه و

مسکن در شاخص‌های مختلف می‌باشد. حجم نمونه ۸۵ نفر از کارشناسان و متخصصان است که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی و سیستماتیک انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک استان سیستان و بلوچستان در تحقق آمایش سرزمین و توسعه متعادل است که برای دستیابی به این هدف، شاخص‌های تأثیرگذار مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاخص‌های بررسی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک استان، شامل ۲۲ شاخص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. برای بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌ها در تحقق‌پذیری و عدم تحقق‌پذیری آمایش سرزمینی و توسعه متعادل استان سیستان و بلوچستان از مدل‌های تحلیل مسیر و تحلیل شبکه (ANP) استفاده شده است.

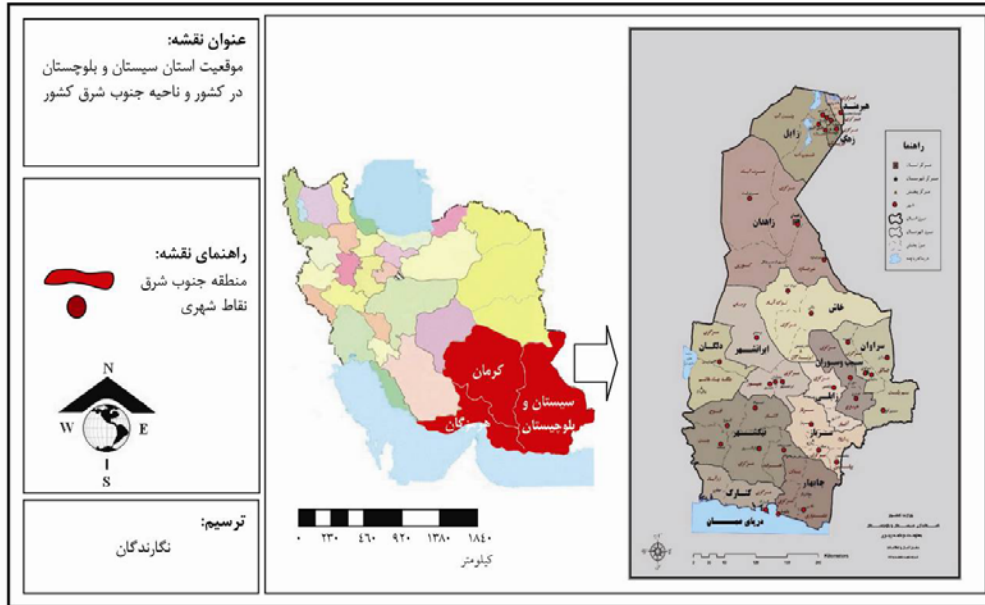
محدوده‌ی مورد مطالعه

گرچه ناحیه‌ی جنوب شرق کشور شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان است و این ناحیه دارای جمعیتی بالغ بر ۷۰۵۱۵۸۳ نفر می‌باشد که به ترتیب به میزان ۲۵۳۴۳۲۷، ۲۹۳۸۹۸۸ و ۱۵۷۸۲۶۸ نفر در سه استان سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان در ناحیه جنوب شرق توزیع شده‌اند و در عین حال این ناحیه به عنوان بزرگترین ناحیه کشور می‌باشد که دارای مساحتی بالغ بر ۴۳۳۲۰۸ هزار کیلومتر مربع از مساحت استان‌های کشور را به خود اختصاص داده است. با این وجود با توجه به گستردگی موضوع و گستره‌ی فضای جنوب شرق کشور، این پژوهش از میان این سه استان، صرفاً بر روی استان سیستان و بلوچستان متمرکز شده است (نقشه ۱).

بنابراین طراحی سیاست داخلی/ خارجی کارآمد در جنوب شرق کشور به منظور فراهم آوردن زمینه‌های توسعه‌ی پایدار در شرق کشور در گرو اهمیت یافتن مقوله‌ی توسعه‌ی پایدار و نیز رفع دشواری‌های سیاسی بزرگ جهانی است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷-۸۴). اینک وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مناطق مرزی جنوب شرق کشور به ویژه استان سیستان و بلوچستان، علاوه بر ایجاد یک موقعیت مثبت ژئواکونومیک برای منطقه، اهمیت ویژه‌ای را در فرآیند توسعه و برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی کشور داشته و دارد. اقتصاد مناطق مرزی جنوب شرق کشور که در چارچوب روابط با مناطق آن سوی مرز و با شکل‌گیری و احداث منطقه آزاد تجاری-صنعتی چابهار، منطقه ویژه اقتصادی سیستان و بازارچه‌های مرزی شکل گرفته می‌بایست گسترش یابد، تا نقشی اساسی در پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی سیستان و بلوچستان داشته و به عنوان یک مؤلفه‌ی مهم ژئواکونومیک، تأثیر بر ساماندهی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی جنوب شرق کشور و همچنین کاهش دوگانگی‌های منطقه‌ای نیز بیش از پیش تأثیرگذار باشد.

مواد و روش‌ها

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم برای این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که در آن به مطالعه‌ی اسناد و اطلاعات، نظرات کارشناسان، متخصصین و مشاورین در رابطه با مسائل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک در تحقق آمایش سرزمینی و توسعه‌ی متعادل ناحیه‌ی جنوب شرق کشور با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان پرداخته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعه اسناد و مدارک و داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و



نقشه ۱: محدوده‌ی مورد مطالعه

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

را فراهم کنند. از سویی مناطق مرزی استان به جهت نزدیکی به مرز و توسعه‌ی روابط با کشورهای همسایه قابلیت‌های ژئواکونومیکی زیادی در قالب ایجاد و رونق بازارچه‌های مرزی دارند. بطور کلی شهرهای مناطق مرزی این استان دارای یک رابطه خطی با هم می‌باشند که متناسب با فاصله‌ی آنها از مرز، در زمینه‌ی ایجاد فعالیت‌های اقتصادی تلاش می‌کنند. شهرهای عمده‌ی مرزی منطقه به ترتیب نزدیکی به خط صفر مرزی عبارتند از: دوست‌محمد ۱ کیلومتر، زهک و میرجاوه هر کدام ۲ کیلومتر - پیشین ۸ کیلومتر - جالق ۱۲ کیلومتر - زاهدان ۲۸ کیلومتر - محمدی ۴۱ کیلومتر - سراوان ۴۵ کیلومتر - راسک ۴۶ کیلومتر - نگور ۵۲ کیلومتر - سیرکان ۵۴ کیلومتر - هیدوچ ۷۰ کیلومتر - سرباز ۷۵ کیلومتر - سوران ۷۷ کیلومتر - خاش ۷۸ کیلومتر - گشت ۸۶ کیلومتر - زابلی ۹۰ کیلومتر - نوک‌آباد ۹۱ کیلومتر (نقشه ۳) (جندقیان، ۱۳۹۱: ۳۴۱). وجود این شهرهای

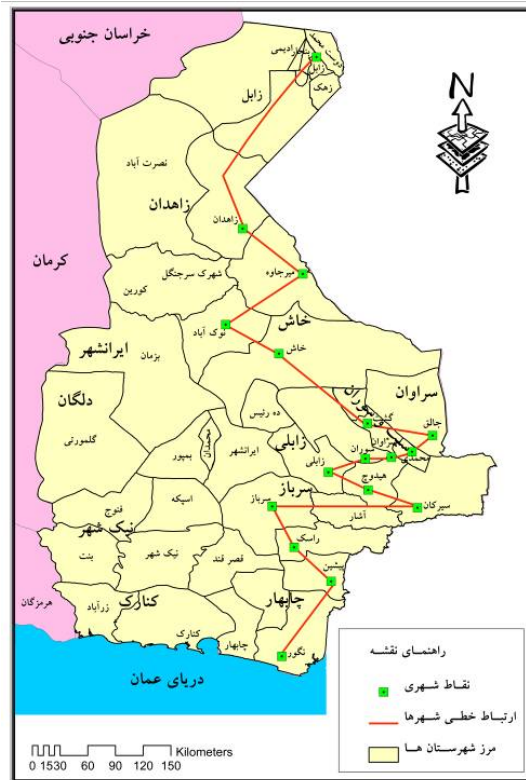
یافته‌های تحقیق

وضعیت ژئواکونومیکی استان سیستان و بلوچستان و تحلیل آن

در گذشته محل کنونی شهر زاهدان مرکز اتراق و بارانداز کاروان‌های شتر منطقه‌ی بلوچستان در مسیر رفت و برگشت به سیستان، بلوچستان، هند و نقاط دیگر محسوب می‌شده و اکثر مراکز شهری کنونی نیز در قدیم محل داد و ستد بوده که از آنجا توسط پیله‌وران و تجار مال‌التجاره‌ها به نقاط دیگر کشور حمل می‌شده و به فروش می‌رسیده است. امروزه استان سیستان و بلوچستان دارای دو ساختار فضایی متفاوت شهرهای مرزی و غیرمرزی می‌باشد که هر یک از این دو دارای پتانسیل‌های ژئواکونومیکی متفاوتی می‌باشند. بطوری‌که با وجود تفاوت‌ها و اختلاف در کارکردها، همه این عوامل در کنار هم و در روابط متقابل با هم می‌توانند زمینه‌های توسعه‌یافتگی استان

استان (نقشه ۲) و در نتیجه مبادلات مرزی و صدور محصولات تولیدی از طریق این بازارچه‌ها، نه تنها مشکلات معیشتی مرزنشینان حل می‌شود بلکه سرمایه‌ای نیز برای ورود به عرصه‌های بزرگ اقتصادی به دست می‌آید که این سرمایه‌ها را می‌توان در تقویت و گسترش توسعه‌ی سرزمینی به کار گرفت و موجبات تعادل منطقه‌ای در استان را فراهم نمود؛ البته این مهم تاکنون آنطور که باید تحقق نیافته و هنوز جای کار فراوان دارد. زیرا گرچه از مجموع ۵۲ بازارچه مصوب در سطح کشور، ۹ بازارچه و از مجموع ۲۸ بازارچه فعال آن، ۷ بازارچه فعال متعلق به استان سیستان و بلوچستان بوده که از این حیث دارای بالاترین تعداد بازارچه‌های مصوب و فعال در میان استان‌های مرزی کشور می‌باشد. لیکن از مجموع ۹ بازارچه مصوب استان، تاکنون ۷ بازارچه فعال گردیده که از میان آنها ۲ بازارچه در مجاورت مرز مشترک با افغانستان و ۵ بازارچه دیگر در مجاورت مرزهای مشترک ایران و پاکستان قرار دارند و نیاز به برنامه‌ریزی فراگیر بازارچه‌های مرزی کماکان بیش از پیش در این استان ضروری است.

مرزی و سایر پارامترهای مثبت در این استان دولت‌مردان را در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برآن داشت که به منظور رفع محرومیت استان و ایجاد اشتغال برای مرزنشینان با محوریت قرار دادن منابع بازرگانی و تجاری استان در مصوبه‌ی توسعه‌ی محور شرق به جنبه‌های بازرگانی و تجاری اهمیت داده و با ایجاد بازارچه‌های مرزی و تأسیس منطقه‌ی ویژه تجاری صنعتی چابهار گام‌های اساسی برای توسعه‌ی پایدار استان بردارند. بر همین اساس بازارچه‌های مرزی پیشین، میرجاوه و کوهک در سال ۷۱ به تصویب هیئت دولت رسید و بازارچه‌ی مرزی میلک در شهرستان زابل نیز با لحاظ شرایط حاکم بر افغانستان به تصویب دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی رسید و هم‌اکنون این استان دارای ۸ بازارچه‌ی مرزی است. وجود راه‌آهن زاهدان و پاکستان و قرار گرفتن این استان در محور ارتباطی اکو و وجود زمینه‌های مناسب جهت صدور کالا و خدمات بخصوص ترانزیت از دیگر قابلیت‌های ژئواکونومیکی این استان بود که در طرح توسعه‌ی محور شرق به آن پرداخته شده است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۴). اصولاً در صورت برنامه‌ریزی جامع و با وجود بازارچه‌های مرزی در این



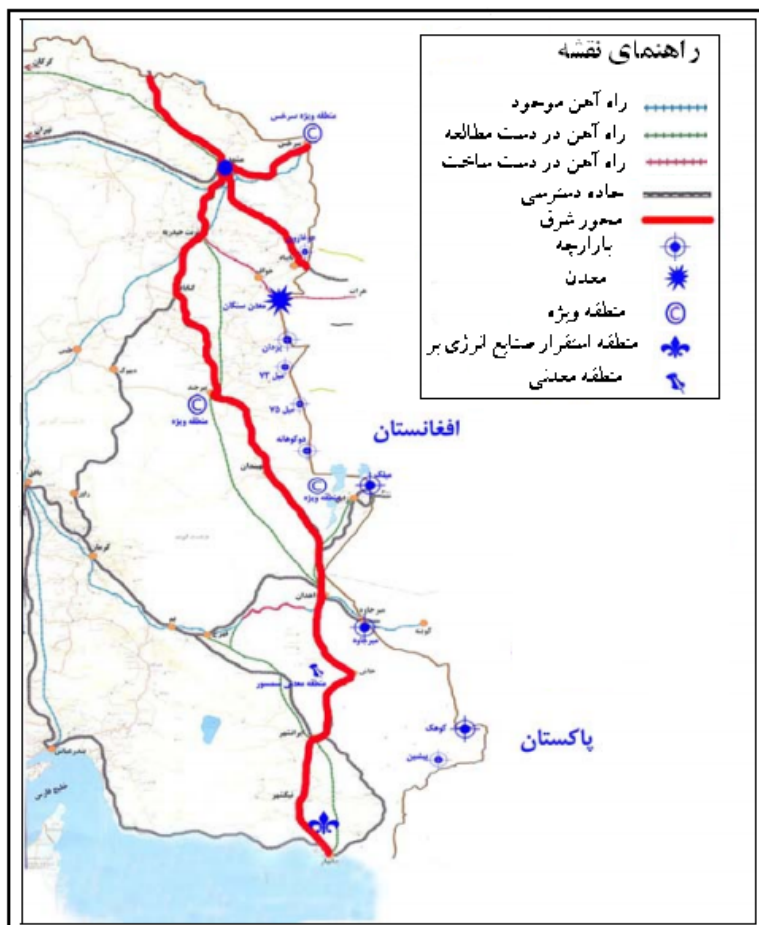
نقشه ۳: ارتباط خطی شهرهای مرزی از شمال به جنوب
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳



نقشه ۲: موقعیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

درصد جمعیت، ۳۰ درصد وسعت، و ۴/۵ درصد اشتغال صنعتی و ۱۷/۱ درصد فعالیت‌های کشاورزی کشور در این استان‌های شرقی متمرکز است. در این بین استقرار صنایع انرژی بر در این منطقه می‌تواند باعث توجه بیشتر به اهمیت زیرساخت‌ها از حیث ترانزیت کالا و نقش برجسته بندر چابهار باشد که این امر خود باعث رشد و توسعه‌ی محور شرق می‌گردد. بی‌شک با فعال شدن محور شرق ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی که در مسیر این محور قرار دارند از جمله مناطق ویژه، مناطق صنعتی معدنی، بازارچه‌های مرزی، گمرکات استان نیز فعال خواهند شد و یا در مسیر بهره‌برداری قرار خواهند گرفت.

بطور کلی وجود بندر چابهار به عنوان یکی از بسترهای تأثیرگذار در توسعه‌ی محور شرق، کشورمان را از ناحیه‌ی جنوب شرقی حائز اهمیت کرده است (نقشه ۴). بطوری که بندر چابهار در میان بنادر کشور محمل بسیار مناسبی برای مبادلات گوناگون با کشورهای مختلف می‌باشد. از آنجا که کلید توسعه‌ی هر منطقه، گسترش راه‌های مواصلاتی آن قلمداد می‌شود بر این اساس جهت ترسیم افقی روشن برای محور شرق کشور، چاره‌ای جز تلاش در جهت بسط و توسعه‌ی محورهای مواصلاتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ندارد. از سویی دیگر نقش چابهار در توسعه‌ی استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، رضوی و شمالی را نمی‌توان نادیده گرفت. زیرا ۱۳



نقشه ۴: توسعه‌ی محور شرق

مأخذ: سپهری‌راد و همکاران، ۱۳۹۱

اقتصادی ترانزیت کالا به افغانستان و آسیای مرکزی، اتصال به پیکره‌ی سرزمینی، تنها بندر اقیانوسی ایران، دسترسی به آب‌های عمیق، فاصله‌ی اندک زمانی با بازارهای مصرف می‌باشد. علاوه بر موارد فوق، با مبنا قرار دادن برخی از مؤلفه‌های توسعه‌ی ژئواکونومیکی مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان مانند دسترسی به منابع انرژی گاز، وجود پهنه‌های قابل بارگذاری صنعتی، امکان دسترسی به برق صنعتی، نزدیکی و یا سهولت دسترسی به مواد اولیه، وجود آب کافی جهت مصارف صنعتی، دسترسی به بنادر،

از دیگر قابلیت‌های ژئواکونومیکی مناطق مرزی این منطقه می‌توان به منطقه‌ی ویژه اقتصادی زابل، ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل معدنی سیستان و بلوچستان، استفاده از ظرفیت‌های رقابتی بندر چابهار برای توسعه، به عنوان ایجاد قطب جدید توسعه اشاره کرد (سپهری‌راد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶۳-۵۶۲). در این میان بندر چابهار دارای توانمندی‌های زیادی مانند خارج بودن از تنگه هرمز بودن، نزدیکترین بندر کل منطقه به آب‌های بین‌المللی، جنوبی‌ترین نقطه‌ی عبور کریدور شرق و غرب در جهان، مهمترین مسیر

خود را در دریای عمان و شبه قاره هند بازیابی کند (صدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۸۰).

تحلیل وضعیت ژئوپلیتیکی استان سیستان و بلوچستان
اصولاً مرزها از نظر سیاسی جزء پدیده‌های پویایی هستند که با در نظر گرفتن کارکرد آنها، می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی متفاوت برای مناطق مرزی داشته باشند (جوادیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۸۷). از آن جایی که درون‌مایه ژئوپلیتیک از عناصر ثابت و متغیری تشکیل شده است که کمتر پویا و بیشتر ثابت هستند (پورطالب و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴۴)، مانند موقعیت جغرافیایی، وسعت و فضا، وضع توپوگرافی (مرزها، شبکه آب‌ها، ناهمواری‌ها)، به عنوان عوامل متغیر و جمعیت، منابع طبیعی (منابع غذایی، منابع معدنی)، نهادهای سیاسی و اجتماعی، ویژگی‌های نظام بین‌الملل به عنوان عوامل متغیر (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳۰). گرچه مناطق تنها با بر عهده گرفتن برخی از رفتارها و کردارها می‌توانند بر محدودیت‌های برآمده از پیامدهای ژئوپلیتیکی چیره شوند (پورطالب و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴۴).

یکی از مهمترین کارکردهای مرزها، کارکرد اجتماعی است که در چارچوب قومیت‌ها در دو سوی مرزها می‌باشند. در جنوب شرق ایران به واسطه‌ی موقعیت جغرافیایی خاص آن، حاشیه‌ای و مرزی بودن و ویژگی‌های جغرافیایی انسانی و سیاسی آن، از گذشته پتانسیل واگرایی فراهم بوده است که وجود گسل‌های قومی، زبانی، مذهبی و توسعه‌ای جنوب شرق از جمله این پتانسیل‌های واگرایی بوده است. واقعیت‌ها نشان‌دهنده‌ی نقش برجسته شکاف‌های مذهبی- قومی در پیدایش درگیری‌ها است و شکاف قومی و زبانی به گونه‌ای گریزناپذیر، می‌تواند دشواری‌ها و مسائل

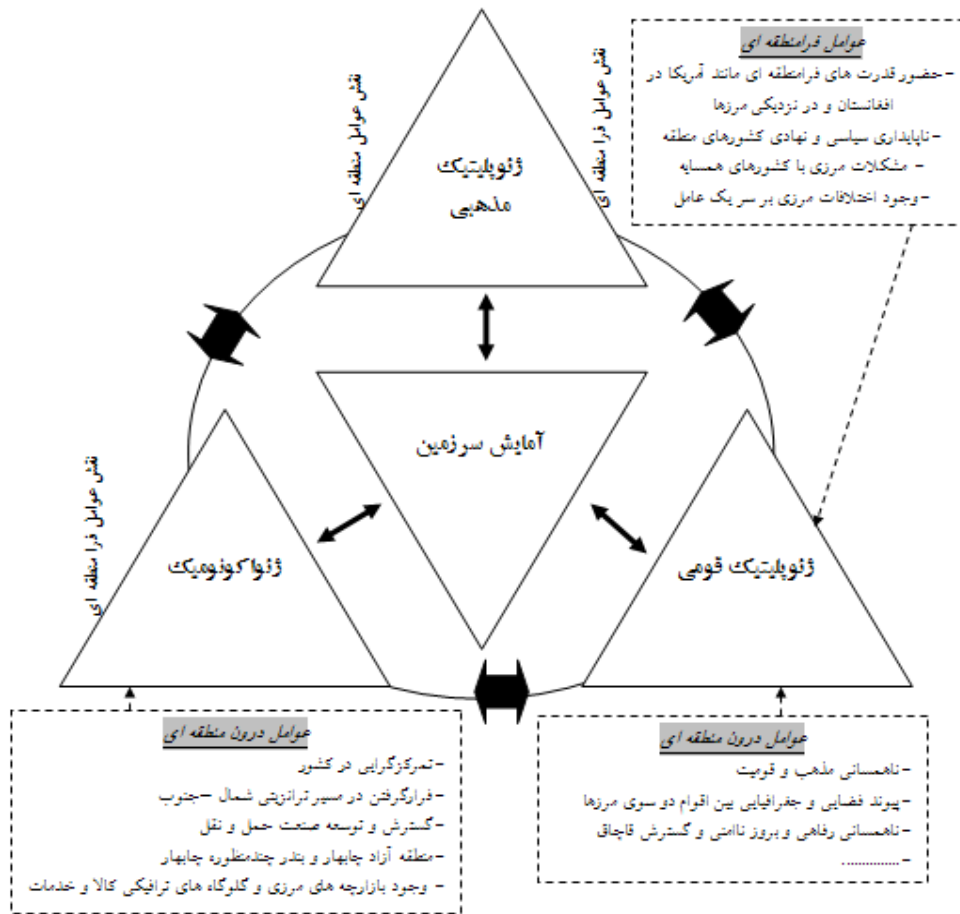
نزدیکی به مراکز عمده مصرف داخلی، دسترسی و نزدیکی به بازار مصرف خارجی، وجود نیروی انسانی توانمند، می‌توان گفت که در بین استان‌های شرق و جنوب شرق کشور، وسیع‌ترین پهنه‌های مناسب از نظر زیست‌محیطی متعلق به استان سیستان و بلوچستان است. از نظر تعداد پهنه‌های مناسب نیز که جمعاً بالغ بر ۷۹ پهنه در شش استان شرقی و جنوبی است، بیشترین تعداد به استان سیستان و بلوچستان تعلق دارد که بیانگر قابلیت بالای مؤلفه‌های ژئواکونومیکی در منطقه می‌باشد و می‌تواند سایر عوامل و مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی مناطق را تحت تأثیر قرار دهد (سپهری‌راد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵۹). علاوه بر این، مجاورت مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان با حوزه‌ی خلیج فارس و دریای عمان و البته اقیانوس هند می‌تواند ظرفیت‌های ترانزیتی و اقتصادی این استان را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل کند و یک منطقه‌ی ترانزیتی جدید و جدی در جنوب شرق ایران بیافریند که این امر می‌تواند بر استراتژی‌های کلان ایران در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار باشد. زیرا در مناسبات ژئوپلیتیک قدرت‌های جهانی، قدرتی توان اثرگذاری عمیق‌تری در مناسبات بین‌الملل خواهد داشت که بر کانون‌های تولید و مسیر آن‌ها چیرگی داشته باشد. از سویی با اتکا به این که بندر کنارک در نزدیکی چابهار یکی از فعال‌ترین شهرک‌های تجاری و بندرهای صیادی کشور محسوب می‌شود، می‌تواند اهمیت زیادی از لحاظ اقتصادی در منطقه‌ی جنوب شرق داشته باشد؛ البته این توسعه در گرو امنیت مرزها است که تحقق پذیرفته و منجر به افزایش داد و ستد بین ممالک گردد. منطقه‌ی کنارک- چابهار به عنوان یکی از دروازه‌های توسعه‌ی پایدار کشور می‌تواند منجر شود که ایران بتواند در نقش محوری

فراهم کند که این عوامل تأثیرات منفی بر روی رشد و توسعه‌ی اقتصادی منطقه خواهد گذاشت.

ژئوپلیتیک قومی با آمایش سرزمین منطقه پیوند دارد و مؤلفه‌های آن مانند شکاف‌های قومی و مذهبی و غیره تحت تأثیر عوامل درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. بطوری که پیامدهای منفی ژئوپلیتیک قومیت تأثیرات خود را بر روی ژئوپلیتیک مذهبی نیز خواهد گذاشت و منجر به عدم تحقق‌پذیری پتانسیل‌های ژئواکونومیکی استان خواهد شد که در صورت تداوم این امر، اهداف آمایش سرزمینی استان جهت کاهش دوگانگی‌های منطقه‌ای، تحقق نخواهد یافت و روزه‌روز شکاف مرکز و پیرامون در نظام شهری کشور و منطقه بیشتر و بیشتر خواهد شد (نمودار ۳). یکی از مؤلفه‌هایی که تأثیر مستقیم در شکل‌گیری بحران‌ها و تنش‌های قومی در استان سیستان و بلوچستان دارد، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در یک منطقه با توجه به شرایط حساس آن منطقه معمولاً زمینه‌ساز ناامنی خواهد بود. همکاری این قدرت‌ها با برخی از کشورهای منطقه و خصومت با برخی دیگر زمینه تضاد و ناامنی را فراهم می‌سازد. برای مثال، حضور نظامی آمریکا در افغانستان و پاکستان و پیامدهای ناخوشایند این حضور برای کشورهای این منطقه، ناامنی و بی‌ثباتی را به ارمغان آورده است. گسترش یا کاهش روابط این کشورها با ایالات متحده آمریکا برای ایران تأثیر مستقیم داشته و می‌تواند اثرات جدی بر امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران به‌ویژه در جنوب شرق کشورمان داشته باشد و ایران را در محاصره‌ی کامل آمریکا از طرف مرزهای جنوب شرقی و شرقی قرار دهد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲).

پیچیده‌ای برای یکپارچگی سیاسی و برقراری نظم سیاسی و ثبات پایدار پدید آورد؛ بویژه در مواردی که نهادها و سازمان‌های رسمی سیاسی در امتداد خطوط شکاف قومی، مذهبی، زبانی یا نژادی گسترش یافته باشند. بلوچستان ایران و پاکستان در سه عنصر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو، بر همگرایی دو بخش بلوچ نشین پاکستان و ایران تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی "بلوچستان آزاد" پدید آورده است.

در قرن اخیر، منطقه بلوچستان همانند دیگر مناطق حاشیه‌ای بحران‌خیز، گاهی عرصه فعالیت‌های سیاسی بوده است. این استان نیز در سه عنصر مذهب، زبان و قومیت متفاوت از سایر نقاط مرکزی است و جزو منطقه‌ی بحرانی بالقوه درجه ۲ محسوب می‌شود (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012: 32-33)، در این استان دو ناحیه ژئوکالچرال دیده می‌شود. ژئوکالچرال سیستان که بخش‌های شمالی استان سیستان و بلوچستان با مرکزیت زابل را تشکیل می‌دهد و ژئوکالچرال بلوچستان که تصور عمومی از آن با قاجاق مواد مخدر، فقر، خشکسالی و ناامنی پیوند خورده است (راستی، ۱۳۹۱: ۴۹۲). بر این اساس می‌توان از ژئوپلیتیک قومیت و شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی به عنوان عوامل تأثیرگذار در روندها و فرآیندهای توسعه‌ی ژئواکونومیکی منطقه‌ی جنوب شرق کشور نام برد که در صورت عدم کنترل و مهار آن، با یک ارتباط متقابل و پیچیده می‌تواند زمینه‌های ناامنی در منطقه و شکل‌گیری گروه‌های مذهبی مخالف در منطقه را



نمودار ۳: مؤلفه های تأثیرگذار در آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان

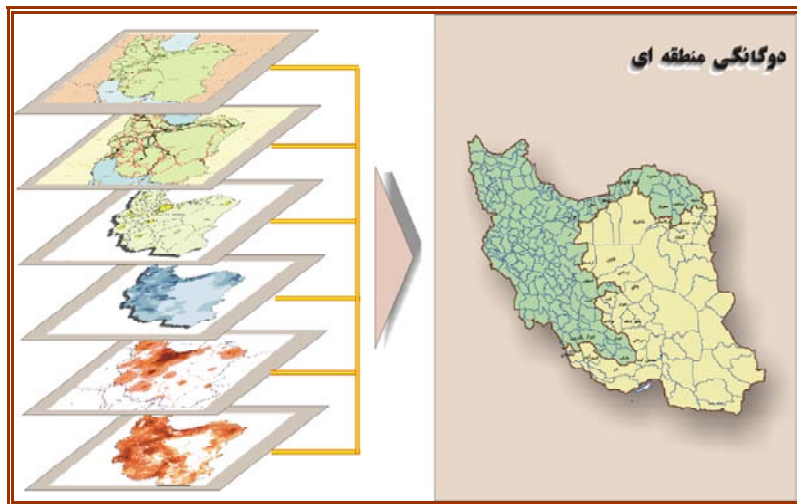
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

۴۵٪ از وسعت سرزمین را شامل می شود، سکونت دارند و فقط ۱۰٪ جمعیت در نیمه شرقی و بخش عمده ای از سواحل جنوبی کشور که ۵۵٪ ایران را شامل می شود، زندگی می کنند. توزیع فعالیت ها و امکانات و شبکه های زیربنایی و خدماتی نیز در این دو منطقه، حاکی از وجود همان عدم تعادل گسترده است. قابل توجه آن که حدود ۷۰٪ از طول مرزهای آبی جنوبی کشور و همچنین حدود ۷۰٪ از ذخایر استراتژیک معدنی، در همین نیمه شرقی کمتر توسعه نیافته ی کشور قرار دارد (دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۱۴۳) (نقشه ۵).

ظرفیت ها و محدودیت های توسعه در جنوب شرق

با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان

در بررسی موضوع توسعه ی محور شرق، مذاقه در مطالعات آمایش سرزمین، زوایای دیگری از مسأله را روشن خواهد کرد. بر اساس نتایج حاصل از این بررسی ها، تحلیل سازمان فضایی کشور، عدم تعادل های وسیع در سطح و میزان توسعه یافتگی مناطق و نواحی مختلف ایران را نشان می دهد. وجه بارز و شاخص این عدم تعادل، نابرابری کلان موجود بین شرق و غرب سرزمین می باشد. حدود ۹۰٪ از جمعیت کشور در نیمه غربی و بخشی از شمال شرقی کشور که حدود



نقشه ۵: دوگانگی توسعه نیمه‌ی شرقی و نیمه‌ی غربی ایران

مأخذ: ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹

در بُعد داخلی، استان سیستان و بلوچستان و استان خراسان جنوبی در سازمان فضایی کشور، موقعیت حاشیه‌ای دارند که باعث انزوای و عقب‌افتادگی این مناطق شده است. با لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک این منطقه و در جهت دگرگونی ساختاری در این استان‌ها، می‌توان توسعه‌ی ترانزیت و تقویت نقش بازرگانی منطقه در سطح کشور را مورد تأکید قرار داد.

ویژگی این ناحیه، ارتباطی بودن آن است و در سطح ملی، گلوگاه بسیار مهمی برای نجات اقتصاد ملی از تنگناست. اقتصاد کشور در بُعد حمل و نقل، مشکلات فراوانی دارد و سازمان فضایی به گونه‌ای است که جهت جابجایی کالاها و مواد، به سوی خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز است. ایران، وابستگی شدیدی به تنگه‌ی هرمز دارد و این مسأله، وضعیت تهدیدآمیزی برای کشور به وجود آورده است. برای خروج از این وابستگی، می‌توان بخشی از نقل و انتقال کالا و ارتباط ایران با آب‌های آزاد را، به سمت چابهار، سوق داد (دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

هر چند خاستگاه اصلی این عدم تعادل را باید در وضعیت طبیعی و جغرافیایی متفاوت این دو کلان-منطقه جستجو کرد اما، سیاست‌ها و راهبردهای ارادی چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، در ایجاد و یا تشدید این عدم تعادل‌ها، نقش بسزایی داشته است.

انتخاب ارادی قطب‌های رشد، سیاست‌های وارداتی و صادراتی، ایجاد و تجهیز شبکه‌های زیربنایی و اتکای اصلی به منابع نفت، موجب مغفول ماندن قابلیت‌های ارزشمند مناطق شرقی کشور، از دید تصمیم‌گیران ملی شده است. به هر صورت آنچه واقعیت دارد، نابرابری‌های کلان موجود بین شرق و غرب کشور است که آشکارا، نوعی دوگانگی در امر توسعه را موجب شده است. بنابراین، افزایش جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در نیمه‌ی شرقی کشور، متناسب با قابلیت‌ها و مزیت‌های این منطقه، یکی از راهبردهای اساسی آمایش-سرزمینی تلقی می‌شود (دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۱۴۳-۴) (نقشه ۶).



نقشه ۶: ساختار مسیرهای ارتباطی خارجی موجود و پیشنهادی در ایران

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳

توسعه ملی و منطقه‌ای، باید مورد توجه قرار گیرد (دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۷-۱۴۴ و ۱۲۶).

بهبودی و تجهیز محور شرقی کریدور شمال-جنوب و نیز ارتباطات کریدور شرق-غرب، از منطقه‌ی آزاد چابهار تا مبادی خروجی غربی و شمال غربی کشور و همچنین تقویت تجهیزات و امکانات حمل و نقل کالا، باعث تقویت نقش فراملی کشور و بهره‌برداری از موقعیت منطقه‌ی آزاد چابهار و پیوند با فضاهاى دیگر و خروج از انزوا در سطح منطقه خواهد شد. تحولات گسترده‌ی جهانی در دهه‌ی انتهای قرن بیستم و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در آسیای-مرکزی و قفقاز و نیز سقوط طالبان در افغانستان به دقت، درستی نتایج حاصل از مطالعات فوق را اثبات کرد و افزون بر آن ظرفیت‌های نوینی برای تعامل محور شرق با آسیای مرکزی و افغانستان خلق کرد و بر اهمیت و استراتژیک بودن این محور و بندر اقیانوسی چابهار، به مراتب افزود (نصیری، ۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۴۶).

در بُعد خارجی، همجواری این منطقه از کشور با آب‌های آزاد بین‌المللی، در تمام مرزهای جنوبی آن بارورسازی قابلیت‌های ترانزیتی و توسعه‌ی این قابلیت‌ها تا سطح استانداردهای بین‌المللی را، به عنوان یک راهبرد اساسی در جهت دستیابی به تعادل‌های ملی و منطقه‌ای، مطرح می‌نماید؛ زیربناهای نسبتاً آماده‌ی منطقه‌ی آزاد چابهار و محور اصلی ارتباطات جاده‌ای شمالی-جنوبی، با مبدا این شهر که بعد از عبور از شهرهای ایرانشهر، خاش و زاهدان، دسترسی به مرز میلک‌زایل را برای ارتباط با کشور افغانستان و همچنین ادامه‌ی این محور اصلی تا استان‌های خراسان و ارتباط با مناطق شمالی کشور افغانستان، از طریق نقاط مرزی نظیر دوغارون و کشورهای آسیایی مرکزی را، از طریق نقاط مرزی سرخس، باجگیران و لطف‌آباد (و نیز از طریق افغانستان) امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین، توسعه‌ی فعالیت‌های ترانزیتی از مبدا چابهار و مقاصد کشورهای افغانستان و پنج کشور آسیای مرکزی (و قفقاز و نیز اروپا در مراحل بعد)، به عنوان یک الزام

در اختیار کارشناسان قرار گرفته‌اند و بر اساس طیف لیکرت و وزن‌دهی از طریق مدل تحلیل شبکه (ANP)، به بررسی روابط متغیرها با یکدیگر بر اساس تحلیل مسیر و آزمون‌های استنباطی رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس پرداخته شده است. مؤلفه‌های تحقیق جدول زیر تهیه و تدوین گردیده‌اند.

بررسی و تحلیل تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بر آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان

جهت بررسی تأثیرات عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی استان سیستان و بلوچستان بر روی آمایش سرزمینی منطقه، از متغیرهای مختلفی استفاده شده است که این متغیرها در قالب سؤالات باز

جدول ۲: شاخص‌های مورد بررسی در هر یک از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی

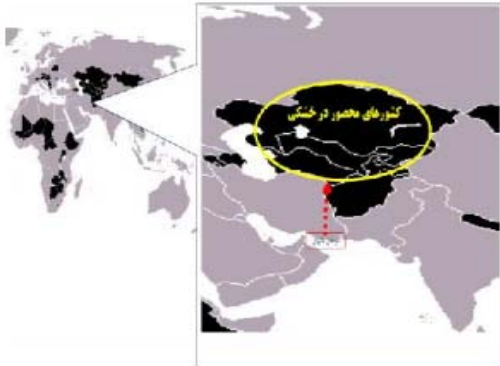
مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی	۱- ظهور گرایش‌های سیاسی محلی گرا؛ ۲- ایجاد ناسیونالیسم قومی و اختلافات زبانی؛ ۳- موقعیت مرزی اقوام در استان؛ ۴- تنش‌های فرقه‌ای توسط گروه‌ها؛ ۵- گسترش روابط اقوام مناطق مرزی با اقوام هم‌کیش در کشورهای همسایه؛ ۶- مجاورت با محور قاجاق مواد مخدر و کالا در مناطق مرزی؛ ۷- ساختار اجتماعی منطقه که مبتنی بر جوامع عشیره‌ای است؛ ۸- افزایش مطبوعات محلی با گویش قومی و ترویج تفکر گریز از مرکز؛ ۹- تحریک بیگانگان و دخالت مستقیم آنها در مباحث اقوام؛ ۱۰- استفاده از ظرفیت قومیت‌ها جهت گسترش ناامنی در منطقه؛ تبلیغات کاذب و تحریک اقوام با مسائلی چون عدم مشارکت آنها در ساختار فضایی قدرت در منطقه؛ ۱۱- مشکلات مرزی با کشورهای همسایه بر سر مسائل هیدروپلیتیکی؛ ۱۲- ناپایداری سیاسی و نهادی کشورهای همسایه.
مؤلفه‌های ژئواکونومیکی	۱۳- قابلیت ترانزیتی استان به دلیل وجود مرز و مناطق مرزی؛ ۱۴- سرمایه‌گذاری عظیم چینی‌ها در بندر گوادر پاکستان به عنوان رقیب بندر چابهار؛ ۱۵- دارا بودن پهنه‌های وسیع در استان با قابلیت توسعه‌ی صنایع انرژی بر؛ ۱۶- وجود بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری در منطقه؛ ۱۷- احداث راه ترانزیتی در طرح توسعه‌ی محور شرق؛ ۱۸- وجود فرودگاه بین‌المللی زاهدان و چابهار؛ ۱۹- عدم سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی؛ ۲۰- قابلیت‌های موجود در بندر کنارک به عنوان گلوگاه بندری و گمرکی استان؛ ۲۱- امکانات بالقوه معدنی در استان؛ ۲۲- وجود سواحل مکران و فضای بسیار مناسب موجود در این منطقه برای ایجاد بنادر، مناطق آزاد تجاری و صنعتی با هدف دسترسی کشورهای محصور در خشکی در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش بسیار مؤثر ترانزیتی این منطقه.

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳

مدل تحلیلی و ارزیابی متغیرهای تأثیرگذار

به منظور تحلیل عوامل تأثیرگذار بر آمایش سرزمین مناطق مرزی و غیرمرزی استان سیستان و بلوچستان از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. در این روش اثر مستقیم متغیرهای ۲۲ گانه در قالب مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بر آمایش سرزمینی استان از طریق رگرسیون توام به دست آمده است. سپس ضرایب همبستگی متغیرهای فوق با متغیرهای آمایش سرزمین استان که در واقع مؤلفه‌های اجرایی آمایش سرزمین در استان بوده است

از طریق همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است. در نهایت به روش تجزیه همبستگی (یعنی کم کردن میزان اثر مستقیم از میزان همبستگی پیرسون) مقدار اثرات غیرمستقیم محاسبه شده است. شایان توضیح است که برای اندازه‌گیری میزان چند هم خطی در متغیرهای مستقل از روش معمول فاکتور تورم واریانس استفاده شده است. تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان به شرح نمودار ۴ است.



شکل ۲: موقعیت کشورهای محصور در خشکی در آسیای مرکزی و سواحل مکران



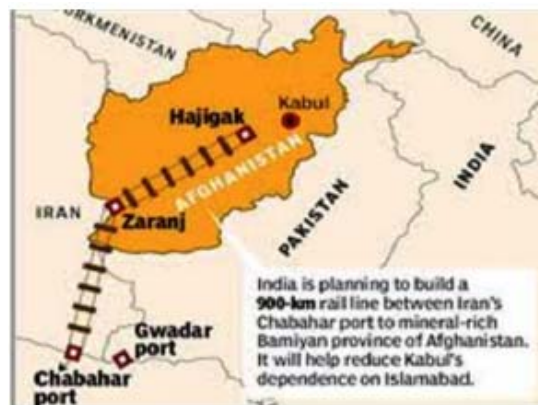
شکل ۱: وجود بنادر و اسکله‌های متعدد در سواحل مکران



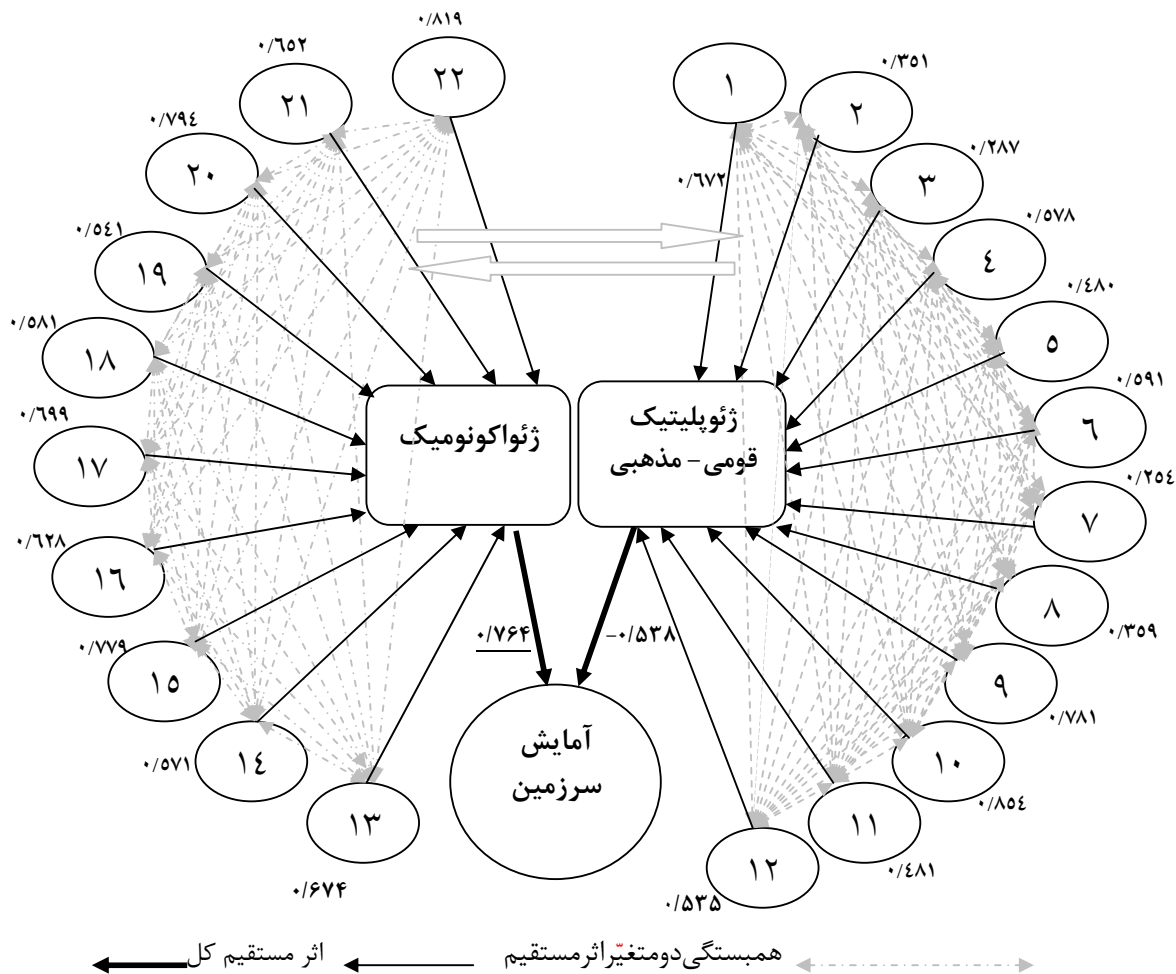
شکل ۴: ارتباط زمینی افغانستان به آبهای آزاد از طریق سواحل مکران و چابهار



شکل ۳: نقش استراتژیک سواحل مکران در ارتباط تجاری شمال - جنوب و شرق و غرب



شکل ۵: ارتباط ریلی افغانستان به آبهای آزاد از طریق سواحل مکران و چابهار
 مأخذ: زرقانی و همکاران، ۱۳۹۱



نمودار ۴: تحلیل مسیر مؤلفه‌های مؤثر بر آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

جدول ۳: اثرات مستقیم و غیرمستقیم همبستگی بخش‌های مختلف با آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان

VIF	ضریب همبستگی	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	متغیرهای مستقل
۵/۴۸۷	-۰/۷۲۵	-۰/۱۸۷	-۰/۵۳۸	ژئوپلیتیک قومی-مذهبی
۶/۲۰۱	۰/۹۳۳	۰/۱۶۹	۰/۷۶۴	ژئواکونومیک

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳

ژئواکونومیک و اثر آنها وارد مدل رگرسیونی شده است. با توجه به اینکه برای تعیین اثر واقعی هر متغیر مستقل، چند هم خطی باید پایین باشد از روش VIF

در واقع برای تعیین مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان ۲۲ متغیر در قالب دو متغیر مستقل ژئوپلیتیک قومی-مذهبی و

سختی کنترل آن، شرایط اقلیمی و جغرافیای گمراه - کننده، عدم کنترل افغانستان و پاکستان بر نواحی همجوار و سرانجام موضوع‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و داد و ستدهایی که همه‌ی این سازه‌ها با یکدیگر دارند، بستر پیدایی و گسترش نامنی‌ها را در مرز و جنوب خاوری و استان سیستان و بلوچستان فراهم می‌آورد. می‌توان گفت تمایزات قومی، زبانی و مذهبی بین منطقه‌ی فرهنگی سیستان و منطقه‌ی فرهنگی بلوچستان، وجود احساس تبعیض و محرومیت درون استانی (بین شیعه و سنی و قوم بلوچ و سیستانی) و بین استانی (بین استان سیستان و بلوچستان و سایر استان‌ها)، تأثیرپذیری برخی از طلاب علوم دینی تحصیل کرده در خارج از کشور از القانات وهابیت و سلفیون تکفیری و اشاعه‌ی آن در داخل کشور، زمینه‌های تاریخی واگرایی بین حکومت مرکزی و قوم بلوچ و همچنین حضور و مداخله‌ی مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های فرامنطقه‌ای در کشورهای همسایه و تأثیرات آن بر روی تحرکات و تنش‌های قومی در منطقه، از جمله مهمترین مسائل ژئوپلیتیکی استان است که تأثیرات خود را بر روی عدم تحقق کارکردهای آمایش سرزمینی و کاهش دوگانگی‌ها و شکاف بین مرکز و پیرامون گذاشته است. در طرف مقابل استان سیستان و بلوچستان و به ویژه مرزهای خشکی و ساحلی آن دارای پتانسیل‌ها و فرصت‌های گسترده‌ی اقتصادی است که در صورت ایجاد اتحاد و انسجام در مسائل درون منطقه‌ای ژئوپلیتیکی به ویژه انسجام قومی - مذهبی می‌تواند به عنوان یک قطب مهم اقتصادی در ناحیه جنوب شرق کشور تعریف و تبیین شود. فرصت‌های ژئواکونومیکي استان با وجود سواحل و بازارچه‌های مرزی و مسائل ترانزیتی استان قابل تبیین و توجیه است. در این میان منطقه‌ی آزاد تجاری - صنعتی چابهار با پهنه‌ای حدود

برای تعیین وجود یا عدم رابطه چند هم خطی استفاده گردید. در صورتی که مقدار VIF کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده‌ی عدم رابطه چند هم خطی بین متغیرهای مستقل است. نتایج مندرج در جدول (۲) نیز حاکی از عدم چند هم خطی بین متغیرهای مستقل بوده و از این رو، آثار مستقیم به دست آمده برای هر متغیر مستقل قابل اعتماد می‌باشند. بر اساس نتایج، متغیرهای ژئواکونومیک با میزان ۰/۷۶۴ دارای بیشترین تأثیرات در آمایش سرزمین استان و کاهش دوگانگی منطقه‌ای و کاهش شکاف مرکز - پیرامون داشته‌اند. اما متغیرهای ژئوپلیتیک قومی - مذهبی با میزان ۰/۵۳۸ - دارای اثر منفی و کاهنده بر آمایش سرزمین استان بوده‌اند که بیشترین تأثیر آنها نیز از طریق تأثیرات مستقیم می‌باشند. بر این اساس همواره متغیرهای ژئوپلیتیک قومی مذهبی در استان سیستان و بلوچستان با تأثیرات منفی عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌توانند اثرات مثبت ژئواکونومیک استان را از بین ببرند به گونه‌ای که با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی موجود در منطقه، همواره میزان محرومیت در این استان در سطح بالایی باشد. همچنین گسترش تنش‌های قومی که همواره به علت تحریکات قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تحت‌تأثیر عوامل نزدیکی با مرز و متأثر از آن سوی مرزها است، منجر به ایجاد نامنی در منطقه شده است و این عوامل تمام فرصت‌های موجود در منطقه در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی را از بین می‌برد.

نتیجه

استان سیستان و بلوچستان به لحاظ مسائل ژئوپلیتیکی با مسائل و مشکلاتی از جمله دور بودن از مرکز و توسعه نیافتگی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، تنگدستی شدید اقتصادی، وجود مرز دراز و

- بسترسازی برای مشارکت گروه‌های قومی و مذهبی در ساختار فضایی قدرت در درون منطقه؛

- تقویت و تجهیز بازارچه‌های مرزی استان خصوصاً اعمال مدیریت کارآمد و با ثبات در جهت گسترش تجارت مرزی و تأمین نیازهای منطقه‌ای؛

- توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی در نقاط مرزی؛

- ایجاد اشتغال و گسترش فرصت‌های شغلی در مناطق مرزی برای کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از فقر و بیکاری و افزایش ضریب امنیت مرزی و اجتماعی؛

- استفاده از عوامل مقوم همبستگی و هویت ملی نظیر تقویت زبان فارسی، گسترش ارتباطات میان قومی، ذهنیت زدایی از تصویر تحریف شده قومیت‌ها نسبت به یکدیگر و تقدم عنصر ایرانییت بر قومیت با تکیه بر زمینه‌های فرهنگی و تاریخی مشترک برای کاهش تأثیرپذیری از تبلیغات واگرایانه؛

- بهره‌گیری از ظرفیت ژئواکونومیک چابهار و امکان انتقال گاز پارس جنوبی به این منطقه (و یا با تعریف ظرفیت اضافی در خطوط گاز صادراتی به پاکستان و هند) می‌توان زمینه‌های گسترده‌ای را در سرفصل‌های گوناگون و به خصوص پتروشیمی و صنایع انرژی بر در منطقه خلق کرد.

- تعاملات اجتماعی و وابستگی‌های منطقه‌ای به بخش مرکزی و هارتلند کشور می‌تواند این منطقه را با بخش مرکزی پیوند زده و با توسعه‌ی ایجاد شده، نگرانی‌های ژئوپلیتیکی از قبیل بحران‌های قاچاق، بحران‌های جدایی‌طلبی سرزمینی، بحران‌های عدم احساس وابستگی و دیگر بحران‌های ژئوپلیتیکی مفروض را کاهش دهد. در واقع همان نقشی که جنوب غرب ایران در قرن ۲۰ در سرنوشت کشور ایفا کرد، جنوب شرق ایران در قرن ۲۱ در سرنوشت کشور ایفا خواهد کرد.

۱۴ هزار هکتار، در خاور خلیج فارس و در کنار شهر مرزی و بندری چابهار و دریای مکران و ۷۰ کیلومتری مرز ایران و پاکستان قرار گرفته است، به عنوان زنجیره‌ی چرخ ترانزیت خاور کشور در بعد ملی به عنوان تکیه‌گاه (توسعه‌ی محور شرق) و در بعد فراملی به عنوان پل پیوندی کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای جنوب خاورآسیا برای ورود به بازارهای جهانی است. منطقه‌ی آزاد چابهار به انگیزه‌ی قرار گرفتن در یکی از کریدورهای مطرح، می‌تواند بهترین گذرگاه برای ترانزیت (گذر کالا) به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان باشد. علاوه بر بندر چابهار، بندرکنارک، بازارچه‌های مرزی و پهنه‌های گسترده صنایع انرژی بر در استان، قابلیت‌های ژئواکونومیکی استان را دوچندان کرده است که با شناسایی نقاط ضعف در این حوزه و کاهش تهدیدات و نقاط ضعف درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ابعاد ژئوپلیتیکی قومی-مذهبی، سیاسی می‌توان به یک آمایش سرزمینی مطلوب و کاهش دوگانگی منطقه‌ای و همچنین کاهش شکاف بین مرکز-پیرامون دست یافت.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این پژوهش، راهکارها و راهبردهای رهگشا جهت تحقق‌پذیری آمایش سرزمینی در استان به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- برنامه‌ریزی به منظور تثبیت موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در مناسبات ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک منطقه و در پرتو چشم‌اندازی آینده‌نگر، از طریق محور شرق و دریای عمان؛

- ترویج اتحاد و همگرایی قومی در استان با استفاده از برگزاری همایش‌ها و سمینارها؛

- بختیارپور، علی؛ عزت‌الله عزتی (۱۳۸۹). بسط ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه غربی با ترسیم مدل بسط در مدیترانه شرقی، فصلنامه جغرافیای سرزمین. سال هفتم. شماره ۲۷. صفحات ۲۰-۱.

- پورطالب، روح‌الله؛ فاطمه حاتم‌آبادی‌فراهانی (۱۳۹۱). بررسی کارکرد بین‌المللی مرز ایران و عراق با تأکید بر مباحث قومی و ژئوپلیتیکی استان خوزستان، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان

- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ حجت‌مهکویی، قاسم قنبری؛ اسماء رخشانی‌نژاد (۱۳۹۱). نقش ژئوپلیتیکی شهرهای مرزی در توسعه گردشگری، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان

- جندقیان، عباس (۱۳۹۱). موانع خارجی تهدید و تأثیرات آن بر امنیت در شهرهای مرزی جنوب شرق ایران، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- جوادیان، سیدحمید؛ مجید ابراهیمی؛ سمیرا میس شریفان، حمید نژادسلیمانی (۱۳۹۱). پیامدهای ژئوپلیتیکی امنیتی تغییر بستر رودخانه‌های مرزی شمال شرق کشور (مطالعه موردی: رودخانه مرزی هریرود)، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۲). نظریه ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان، جزوه درسی. دانشگاه تربیت مدرس.

- حافظنیا، محمدرضا؛ ابراهیم رومینا (۱۳۸۴). تحلیل ظرفیت‌های ژئوپولیتیک سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت)، مجله جغرافیا و توسعه. دانشگاه سیستان و بلوچستان. شماره پیاپی ۶. صفحات ۲۰-۵.

- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت. تهران.

- جنوب شرق کشور به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران، در پرتو چشم‌انداز و تدابیر آینده‌نگر و با توجه به ملاحظات ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک منطقه، قادر است با اتصال شمال- جنوب و شرق- غرب در نظام نوین بین‌المللی، ارزش موقعیت خود را به مراتب ارتقاء بخشیده و از این رهگذر به گستردگی، فرآیند انباشت سرمایه‌ها را به‌عنوان موتور توسعه در کشور و محور شرق برنامه‌ریزی کند.

- پی‌جویی راهبرد بهره‌گیری مناسب از موقعیت ژئوپلیتیک جنوب شرق ایران با توجه به همجواری آن با کشورهای پاکستان و افغانستان و قرار گرفتن در مسیر دسترسی به آب‌های آزاد جهان برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان که جایگاه ویژه‌ای را برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران فراهم نموده است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۹). آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب شرق ایران. تهران. انتشارات مؤسسه-اطلاعات.

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ معصومه حافظ رضازاده؛ مرضیه دارایی (۱۳۹۱). بازارچه‌های شهرهای مرزی، دریچه‌ای به توسعه گردشگری شهری مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- احمدی‌پور، زهرا؛ طهمورث موصلوحیدری؛ اکبر میرجلالی (۱۳۹۰). تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۲۷. صفحات ۴۴-۱۳.

- امامی، محمدعلی (۱۳۹۲). نگاهی به موقعیت خلیج فارس نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آن، مرکز مطالعات خلیج فارس. مؤسسه مطالعات ژئوپلیتیک. استراتژیک. تاریخ و جغرافیای خلیج فارس.

- خلیلی، محسن؛ مرتضی منشادی؛ فهیمه آزموده (۱۳۹۰). بایستگی‌های ژئواکونومیک توسعه‌ی منطقه‌ی جنوب شرق ایران، فصلنامه روابط خارجی. سال سوم. شماره ۴. صفحات ۱۲۴-۸۱.
- دفتر آمایش و توسعه پایدار و محیط زیست (۱۳۸۳). طرح توسعه و فعال‌سازی محور ترانزیتی چابهار، (گزارش مطالعات)، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- دفتر آمایش برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۱۳۸۳). نقشه‌ی دوگانگی منطقه‌ای، سازمان مدیریت برنامه‌ریزی.
- راستی، عمران (۱۳۹۱). واکاوی ژئوپلیتیکی و جغرافیایی-سیاسی ناامنی‌های دهه‌ی ۱۳۸۰ خورشیدی در جنوب شرق ایران، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- زرقانی، سیدهادی؛ معصومه قلی‌زاده (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژیک سواحل مکران، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
- سپهری‌راد، حسین؛ عبدالباسط نهتانی‌فر؛ محمدعلی قصری (۱۳۹۱). استقرار صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی استان سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و امنیتی شرق کشور. اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- صدری، سعیده؛ صمد فتوحی؛ خدیجه جوجی‌زاده؛ نسرین توفان (۱۳۹۱). تأثیر موقعیت ژئوپلیتیکی بندر کنارک و سواحل آن بر امنیت جنوب شرق کشور، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- قالیباف، محمدباقر؛ محمد یعقوبی؛ ابوالقاسم محمودی (۱۳۹۳). تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی، فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دهم. شماره سوم. صفحات ۷۵-۵۶.
- کیانی‌مقدم، منصور؛ حمیدرضا تهمک؛ سبجان ایرانشاهی (۱۳۹۱). تحلیلی بر وضعیت و ظرفیت بندر چابهار در مقایسه با بندر گوادر جهت تبدیل شدن به دروازه شاهراه اقتصادی آسیای میانه و اروپای شرقی، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان سیستان و بلوچستان.
- معصومی، مجید؛ بهناز اژدری؛ محمدجواد ملکوتی (۱۳۹۲). نقش ژئوپلیتیکی رودخانه و ژئواکونومیک بازارچه مرزی در برقراری امنیت اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان، مجله پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. سال اول. شماره سوم. صفحات ۹۸-۶۷.
- موسوی، میرنجف (۱۳۸۸). تحلیل کارکرد مرز بر ساختار فضایی شهرهای مرزی (مورد: آذربایجان غربی)، پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه جغرافیا.
- موسوی، میرنجف؛ ایوب منوچهری‌میان‌دوآب؛ زهرا ادیب‌نیا (۱۳۹۳). نقش مرز و قومیت در عملکرد نقاط شهری مطالعه موردی: منطقه آذربایجان. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دهم. شماره اول. صفحات ۲۲۰-۱۹۰.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و جایگاه ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه انقلاب اسلامی. شماره ۷ و ۸. صفحات ۲۴۸-۲۴۱.
- نادری، احمد (۱۳۸۹). نظریه ریملند شیعی و ژئوپلیتیک نوین شیعه در قرن بیست و یکم، کنفرانس بین‌المللی فرهنگ‌گرایی و جامعه جهانی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نامی، حسن؛ علی محمدپور؛ علیرضا عباسی (۱۳۸۸). تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک. سال پنجم. شماره ۲. صفحات ۶۵-۴۱.
- نصیری، حسین؛ محمد ستاری‌فر؛ حمید احمدی (۱۳۸۸). تعامل ملی، منطقه‌ای و جهانی راهبردی برای پایداری محور شرق، مجله جغرافیا و توسعه. شماره پیاپی ۱۴. دانشگاه سیستان و بلوچستان. صفحات ۱۷۲-۱۴۱.

- Ebrahimzadeh, I, Sahraei, A (2012). An Analysis on Religious-Ethnic Geo-politic, Security and Development in Border Towns Case Study: Sistan and Balouchestan . Issa Ebarhimzadeh, Ahmad Sahraei Journal of Romanian Review of Regional Studies(RRRS). Volume VIII, No.2, PP: 29-40, November 2012 Website :<http://rrrs.reviste.ubbcluj.ro>.
- Passi, A (1996). Territories, Boundaries, & Consciousness: The Changing Geographies of the Finnish-Russian Border, John Wiley & Sons Ltd, Chichester.
- Pena, Sergio (2005). Recent development in urban marginality along Mexico,s northern border, Journal of Habitat International, No29, PP:258- 301.
- Sermak, Agnieszku Brzosko (2007). Theoretical Deliberations on Frontier location of Cities, Bulletin of Geography (Socio-Economic Sires), No, 7 PP : 73-86.
- Walters, W (2006). Border/ Control, European Journal of Social Theory, 9(2), PP:187-203, London.
- ولی‌قلی‌زاده، علی؛ یاشار ذکی (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS، فصلنامه ژئوپلیتیک. سال چهارم، شماره سوم، صفحات ۲۳-۵۶.
- یوسفی، ثریا؛ سجاد کریمی (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک سازه‌ای برای همگرایی کشورهای جهان اسلام، چهارمین همایش بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام. دانشگاه زاهدان.
- Adey, P (2004). Secured and Sorted Motilities: Examples from the Airport, Surveillance and Society 1(4) PP: 500-519.
- Bigo, D (2002). Security and Immigration: Toward a Critique of The Govern mentality of Unease, Alternatives, 27(1) PP:63-92, supplement.
- De Blij, HJ (1973). Systematic Political Geography, John Wiley & Sons, Inc, New York.
- Guo, Rongxing (2005). Cross- Border Resource Management Theory & Practice, Elsevier, London.